

نقد و بررسی ترجمه عربی شعر سهراب سپهری با تکیه بر نظریه

هنجارهای گیدئون توری

نوع مقاله: پژوهشی

علی افزلی*، اکرم مدنی

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران
۲. کارشناسی ارشد گروه مطالعات ترجمه، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

چکیده

شعر در موجزترین حالت خود نوشته‌ای است که زبانش اغلب نه صریح بلکه ضمنی است و انتقال تمام لایه‌های معنایی آن به زبان مقصد بس دشوار می‌نماید. در وادی برگردان شعر به زبان عربی، ترجمه اشعار شاعران ایرانی از این قافله عقب نمانده و پا به پای دیگر آثار ادبی به پیش تاخته است. از نیمه دوم قرن بیستم بسیاری از اشعار فارسی چه از شاعران قدیم و چه معاصر، به زبان عربی برگردان شده‌اند. در این جستار بخش‌هایی از ترجمه اشعار سهراب سپهری در کتاب *مختارات من الشعر الفارسی الحدیث* از محمد نورالدین عبدالمنعم، با تکیه بر نظریه هنجارهای گیدئون توری بررسی و از منظر مطالعات توصیفی فرایند-مدار ترجمه واکاوی می‌شود. این شیوه به فرایند ترجمه یا خود عمل ترجمه می‌پردازد. نظریه توری به قالب‌های ادبی‌ای که در هر فرهنگ خاصی وجود دارند، اشاره می‌کند. توری طیفی برای ترجمه در نظر می‌گیرد که در یک سوی آن پذیرش کامل در فرهنگ مقصد و در سوی دیگرش کفایت کامل برای برابری با متن مبدأ قرار دارد و معتقد است ترجمه همواره بین این دو قطب جای می‌گیرد. نتیجه اصلی ارزیابی کیفی تعریف عبدالمنعم حاکی از آن است که اثر وی از پذیرش در فرهنگ مقصد برخوردار است اما تا حدودی از بسندگی و کفایت در مبدأ به دور است.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر فارسی، ارزیابی ترجمه عربی، محمد نورالدین عبدالمنعم، گیدئون توری، سهراب سپهری.

١- بیان مسأله

ترجمه به عنوان یکی از عوامل دگرگونی اندیشه بسان پلی برای انتقال افکار از زبان‌های مختلف به یکدیگر عمل می‌کند. از دیرباز ترجمه شعر توجه مترجمان را به خود جلب نموده و همواره ترجمه‌پذیری یا ترجمه‌ناپذیری آن مورد بحث نظریه‌پردازان حوزه ترجمه بوده است. ادیبان عرب همواره توجه خاصی به ترجمه اشعار فارسی داشته‌اند. به طوری که بسیاری از اشعار فارسی قدیم و معاصر به عربی ترجمه شده است. اکثر این ترجمه‌ها در حقیقت گزیده اشعار بوده و تعداد اندکی از دیوان شاعران معاصر فارسی به صورت کامل به عربی ترجمه شده است. یکی از عوامل این امر آن است که مترجمان هنگام ترجمه گزیده‌ای از اشعار آزادی عمل بیشتری دارند و می‌توانند اشعاری را که ارتباط بیشتری با آن برقرار کرده‌اند یا حتی به لحاظ فن ترجمه دشواری کمتری دارند، برگزینند. از آنجایی که ترجمه شعر در نوع خود از سخت‌ترین و چالش برانگیزترین ترجمه‌ها به شمار می‌رود، تعادل کامل بین شعر اصلی و متن مقصد بسیار دور از انتظار است. اما مهارت مترجم برای برقراری این تعادل و حفظ تأثیر شعر بر مخاطب، از دیرباز کانون توجه نظریه‌پردازان ترجمه بوده است.

«گیدئون توری»^۱ (۱۹۴۲م-۲۰۱۶م). الگوی هنجارهای سه‌گانه ترجمه را در همین راستا پیشنهاد می‌دهد که به رفتارهایی در ترجمه می‌پردازد که معمولاً در موقعیت‌های اجتماعی فرهنگی یا متنی خاص بروز می‌کنند. هدف نهایی نظریه وی برقراری سلسله مراتبی از عوامل (قیود) مرتبط باهم است که محصول ترجمه را تعیین می‌کند و بر آن حاکم است.

در پژوهش حاضر ضمن بررسی ترجمه عربی برخی اشعار سهراب سپهری که توسط محمد نورالدین عبدالمنعم انجام شده، میزان کارکرد نظریه توری در ارزیابی کیفی ترجمه شعر فارسی به عربی، تأثیر موقعیت متن در نظام چندگانه ادبی فرهنگ مبدأ بر نگرش مترجم و کیفیت انتخاب اثر و راهبرد کلی ترجمه در یک نظام چندگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

١-٢- سؤالات پژوهش

پژوهش حاضر درصدد است تا به سؤالات زیر پاسخی روشن ارائه دهد:

^۱ - Gideon Toury در عربی: جدعون توری

- مؤلفه‌های الگوی هنجارهای ترجمه توری تا چه اندازه بر ترجمه عبدالمنعم از شعر فارسی به عربی، قابل تطبیق است؟
- با توجه به مؤلفه‌های نظریه هنجارهای توری، عبدالمنعم در ترجمه شعر معاصر فارسی به عربی تا چه اندازه موفق بوده است؟
- مبنای گزینش عبدالمنعم در این ترجمه، مبدأ محور است یا مقصد محور؟

۱-۳- روش پژوهش

در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، طبق نظریه هنجارهای ترجمه گیدئون توری و از منظر مطالعات تولید محور ترجمه، برگردان برخی اشعار معاصر فارسی به عربی را در کتاب مختارات من الشعر الفارسی الحدیث مورد نقد قرار می‌دهیم.

۱-۴- محمد نورالدین عبد المنعم و کتاب مختارات من الشعر الفارسی الحدیث:

محمد نورالدین عبد المنعم (۱۹۴۱م) یکی از فارسی‌پژوهان مصری، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم است. وی در سال ۱۹۶۷م. با ارائه پایان‌نامه‌ای با عنوان *منوجهری الدامغانی، عصره، حیاته، دیوانه*، دانشنامه کارشناسی ارشد را دریافت کرد و سال ۱۹۷۲م. با رساله‌ای با عنوان *البلاغة العربیة وأثرها فی نشأة البلاغة الفارسیة و تطورها* موفق به دریافت دانشنامه دکتری از دانشگاه قاهره شد. عبدالمنعم به تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های مصر، عراق و عربستان پرداخت و به تألیفاتی پیرامون زبان و ادب فارسی و به خصوص ترجمه آثار شاعران ایرانی عصر قدیم و معاصر همت گمارد که در حال حاضر شاهد آثار بسیار زیادی از وی در این زمینه هستیم (قربان زاده، ۱۳۹۵: ۸۴۵). وی در ترویج زبان و ادب فارسی به جهان عرب به خصوص مصر، بهترین و مؤثرترین روش یعنی ترجمه آثار شاعران و نویسندگان فارسی به عربی را برگزید.^۱

^۱ برخی از آثار تألیفی و ترجمه وی بدین شرح است: *دراسات فی الشعر الفارسی حتی القرن الخامس الهجری* (۱۹۷۶) // *رباعیات بابا طاهر العریان الحمدانی* (۱۹۷۸) // *فن الرباعی: مختارات من الرباعیات الفارسیة* (۲۰۰۵) // *آخر جرعة فی هذه الكأس - و قصائد أخرى من بستان الشعر الفارسی* (۲۰۰۸) // *مختارات من الشعر الفارسی الحدیث* (۲۰۰۹) // *مختارات من أشعار الشاعرة الإيرانية فروغ فرخزاد* (۲۰۱۰) // *فن الغزل: مختارات من الغزلیات الفارسیة* (۲۰۱۱) // *جولة فی ریاض الأدب الفارسی* (۲۰۱۳).

از بررسی ترجمه‌های عربی عبدالمنعم از شعر فارسی چنین برمی‌آید که وی با ترجمه شعر فارسی بیگانه نیست. ایشان در این کتاب ها آثار شاعران رباعی سرا و یا غزل‌سرای ایرانی عصر قدیم و معاصر را برای ترجمه انتخاب کرده و مهم‌ترین آنها را به عربی برگردانده است. عبدالمنعم در کتاب *مختارات من الشعر الفارسی الحدیث* که چاپ اول آن در سال ۲۰۰۳ م. و چاپ دوم آن در سال ۲۰۰۹ م. در قاهره انجام شده است، ابتدا در مقدمه در خصوص شعر معاصر فارسی، ویژگی‌های آن و شاعران برتر این دوره سخن گفته و بعد از معرفی کوتاه هر یک از آنها نمونه‌ای از اشعار این شاعران را به عربی ترجمه کرده است. وی ۳۱ شاعر معاصر ایرانی از جمله فریدون مشیری، نادر نادریپور، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، محمدرضا شفیعی کدکنی را انتخاب کرده است و توانسته آنان را با ترجمه نمونه‌هایی از آثارشان به جهان عرب معرفی نماید. ولی اصل فارسی ابیات ترجمه شده را ذکر نکرده است که در صورت انجام، به ارزش کار وی افزوده می‌شد.

۱-۵- پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که به این حوزه پرداخته‌اند می‌توان موارد زیر را نام برد:

- مقاله "کاربست نظریه هنجارهای گیدئون توری در ارزیابی کیفی ترجمه عربی اشعار فروغ فرخزاد" از علی افضلی و اکرم مدنی (۱۳۹۹) که چند مورد از ترجمه عربی اشعار فروغ فرخزاد فرخزاد را نقد کرده اند.
- مقاله "بازتاب ترجمه شعر معاصر فارسی در جهان عرب" سمیه کاظمی نجف‌آبادی و محمد رحیمی خویگانی (۱۳۹۶) که جریان کلی ترجمه شعر معاصر فارسی به زبان عربی را کاوش و بررسی می‌کنند.
- مقاله "تلاش‌های محمد نورالدین عبدالمنعم در ترویج و گسترش زبان و ادب فارسی در مصر" بهروز قربان زاده (۱۳۹۵) که بطور مستقل به آثار عبدالمنعم پرداخته و فقط خدمات وی را در ترویج زبان فارسی در جهان عرب بخصوص مصر، ستوده است.
- بررسی پژوهش‌های موجود در حوزه ترجمه اشعار معاصر فارسی به عربی نشانگر آن است که هیچ کتاب، مقاله یا پژوهش مستقلی در زمینه نقد کیفی ترجمه اشعار سهراب سپهری به عربی براساس نظریه گیدئون توری نوشته نشده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مدل ارزیابی گیدئون توری

گیدئون توری (۱۹۴۲م-۲۰۱۶م.) در شهر حیفا فلسطین به دنیا آمد. استاد ترجمه‌شناسی و ادبیات تطبیقی بود و از پیشگامان مطالعات توصیفی ترجمه در دنیا به شمار می‌رود. در اصل نظریه وی از رویکرد نظام‌های چندگانه متعلق به ایتمار اون زوهر^۱ و دیدگاه توصیفی جیمز هولمز^۲ نشأت می‌گیرد. امتیاز نظری نظریه نظام چندگانه در مطالعات ترجمه کاملاً آشکار است: به جای داشتن برداشتی ایستا از ترجمه، اون زوهر تعریف خود از "تبادل" و "کفایت" را بر حسب شرایط تاریخی تغییر می‌دهد و حوزه بحث را از قیدهایی که به طور سنتی نظریه قبلی را محدود می‌کرد، آزاد می‌سازد. او با گسترش مرزهای نظری نظریه سنتی ترجمه، که اغلب مبتنی بر مدل‌های زبان‌شناختی یا نظریه‌های ادبی ناپرورده بود و قرار دادن ادبیات ترجمه‌شده در بافت فرهنگی بزرگتر، راه را برای نظریه ترجمه گشود. این گشایش همان چیزی بود که گیدئون توری، همکار وی، با تمرکز بر آن برای یافتن نظریه جدیدی درباره ترجمه جستجو را آغاز می‌کند (گنتزلر، ۱۳۹۳: ۱۵۹). در بین نظریه‌های بسیاری که برای سنجش ترجمه مطرح گردیده، نظریه گیدئون توری قابلیت آن را دارد که در ارزیابی کیفیت ترجمه متون ادبی راهگشا باشد. این نظریه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ثابت کرد که تأثیرگذار و حیاتی است و از فعال‌ترین برنامه تحقیق در مطالعات ترجمه تا به امروز جانب‌داری کرده است (بیکر و سالدنیا، ۱۳۹۶: ۷۷۰).

توری نخستین بار نظریه هنجارهای ترجمه را در سال ۱۹۸۰م. در کتاب *در جستجوی نظریه ترجمه*^۳ مطرح و سپس در سال ۱۹۹۵م. در کتاب *مطالعات توصیفی ترجمه و فراتر از آن*^۴ کامل ساخت تا به قواعد مشخص کارکرد ترجمه در یک موقعیت خاص اجتماعی- فرهنگی اشاره کند. توری این نظریه را به مثابه اصلی برای ترجمه و فرایند تحلیل که در آن ترجمه به عنوان محصول انتقال فرهنگ قلمداد می‌شود، در نظر گرفته است. پرسشی که پیش می‌آید این است که آیا مترجم باید پایبند هنجارهای متن اصلی (زبان مبدأ) باشد و یا هنجارهای فرهنگ و زبان

^۱ Itamar Even-zohar

^۲ James Holmes

^۳ In search of a theory of translation

^۴ Descriptive translation studies and beyond

مقصد را در ترجمه پیاده کند؟ فرضیه ما بر این اصل است که مترجم نباید با روشی ایستا به ترجمه بپردازد بلکه باید با معادل‌یابی هنجارهای زبان مبدأ در قالب بیان یا ساختار در زبان مقصد برای ترجمه جمله، تعبیر مناسب‌تر را برگزیند. با توجه به اینکه ترجمه شعر حتی در قالب شعری عملاً غیرممکن است اما این مطلب به معنای ضعف مترجمان شعر به شعر نیست بلکه ساختار شعر، غیر قابل ترجمه است (معروف، ۱۳۹۲: ۲۶). بدیهی است که بدون تکیه بر نظریه، نمی‌توان درباره ترجمه و کیفیت آن بحث کرد. هر نظریه و ارزشیابی نیاز به ضابطه دارد و نظریه‌های ترجمه در حکم همین ضوابط‌اند. نظریه نوعی استراتژی ترجمه و راهنمای مترجم است (صلح‌جو، ۱۳۹۴: ۲۰).

روش توری در توصیف ترجمه در توصیفی بودن مطالعات ترجمه^۱ و ناظر بودن این توصیف بر متن مقصد خلاصه می‌شود. وی به مکتب دستکاری^۲ تعلق دارد که «بر اساس آن مترجم متن مبدأ را در جهتی خاص تغییر می‌دهد. مترجمان پیرو این مکتب بیش از آن که نگران تعادل دقیق زبانی باشند به "دستکاری موجه" توجه دارند. این دستکاری‌ها لزوماً تغییرات بزرگ و محسوسی نیستند و چه بسا مترجم خود متوجه آن نباشد» (صلح‌جو، ۱۳۹۶: ۲۳). مفهوم هنجار برای متن مقصد تقدم قائل است و جای تعادل را که هنجاری کنشی است، در مطالعات ترجمه می‌گیرد. «به اعتقاد توری فعالیت ترجمه تحت تأثیر مجموعه‌ای از هنجارها قرار می‌گیرد که از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت‌اند و در واقع هدف نهایی مطالعات ترجمه از دیدگاه توری تبیین این هنجارها و انتخاب‌های استراتژیک مترجم است» (خزاعی‌فرید و قاضی‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۳). «توری الگویی سه قسمتی پیشنهاد می‌کند که هنجارها در آن نشانگر یک سطح میانجی هستند که بین توانش زبانی^۳ و کنش زبانی^۴ قرار دارد. این سطح میانجی تحلیل‌گر را قادر می‌سازد که هم داده‌های خام کنش زبانی و هم ظرفیت آرمانی توانش زبانی را بفهمد» (عنانی، ۲۰۰۳: ۲۳۹).

۲-۱-۱- هنجارهای الگوی توری

^۱ DTS: Descriptive Translation Studies

^۲ The Manipulation School

^۳ Competence

^۴ Performance

هنجارها از منظر توری به سه دسته آغازین^۱، مقدماتی^۲ و عملیاتی^۳ تقسیم می‌شوند:

۲-۱-۲- هنجارهای آغازین

هنجار آغازین مستلزم انتخاب کلی مترجم است. در این مرحله توری بسندگی^۴ یعنی ترجمه وفادار به هنجارهای متن مبدأ و مقبولیت^۵ یعنی ترجمه تابع هنجارهای مرسوم در زبان و فرهنگ متن مقصد را مطرح می‌سازد. طیف بسندگی و مقبولیت بر یک پیوستار قرار دارند؛ زیرا هیچ ترجمه‌ای عملاً نه بطور کلی مقبول است و نه به طور کلی بسنده. دگرگونی‌ها- اجباری یا غیراجباری- در ترجمه اجتناب ناپذیرند و تحت هنجار و مبحث عام حقیقی ترجمه هستند.

۲-۱-۳- هنجارهای مقدماتی

هنجار مقدماتی قائل به سیاست‌های ترجمه یعنی عوامل تعیین‌کننده انتخاب متن برای ترجمه در زمان، فرهنگ یا زبان مشخص است و نیز به سویگی / جهت‌داری ترجمه می‌پردازد یعنی تسامح جامعه خاصی نسبت به یک ترجمه که به واسطه یک زبان میانجی انجام شده است و این که آیا این زبان میانجی در ترجمه پنهان می‌ماند یا نه.

۲-۱-۴- هنجارهای عملیاتی

هنجارهای عملیاتی تصمیم‌هایی است که عملاً در فرایند ترجمه گرفته می‌شوند و برخی از آنها در مطالعه میدانی توری درباره ترجمه متون داستانی به عبری تحلیل شده است: هنجارهای «قالبی / چارچوبی» که تعیین‌کننده مکان اضافات و حذف‌اند و هنجارهای «متنی» که ترجیحات سبکی و زبانی را آشکار می‌کنند (گنتزler، ۱۳۹۳: ۱۶۷). بنابراین هنجارهای عملیاتی نحوه ارائه و موضوع زبانی و موضوع بیان^۶ متن مقصد را در برمی‌گیرد که هنجارهای قالبی^۷ مربوط به تمامیت

¹ Initial norm

² Preliminary norm

³ Operational norm

⁴ Adequacy

⁵ Acceptability

⁶ Presentation

⁷ Matricidal

متن هستند. در این بخش توری هنجارهای چارچوبی/ قالبی یا مادرمآبانه^۱ شامل حذف، جابجایی، افزایش، پانوش، تقطیع متنی و نیز هنجارهای متنی – زبان شناختی شامل مواد زبانی متن مقصد یعنی واژگان و عبارات و ویژگی‌های سبکی را پیش می‌کشد.

توری بنا بر هنجارهای ذکرشده دو قانون برای ترجمه در نظر می‌گیرد: قانون استانداردسازی/ معیارسازی^۲ و قانون تداخل^۳ همان‌طور که از نام استانداردسازی برمی‌آید یعنی استاندارد کردن یک ویژگی مختص متن مبدأ در متن مقصد به صورتی که روابط متنی موجود در متن مبدأ به منظور ساده‌سازی و رفع ابهام تا حد حذف، با یک ویژگی متن مقصد جایگزین گردد. این قانون را تبدیل^۴ هم می‌توان نامید. اعتقاد توری بر این است که ترجمه مانند هر انتقال دیگر نیازمند این است که پایایی^۵ تحت تأثیر تبدیل^۶ باشد. قانون تداخل را هم به انتقال ساختار متن مبدأ به زبان مقصد تعریف کرده‌اند که بیشتر در سطح نحوی و واژگانی نمود پیدا می‌کند.

بیشتر مترجمان در فعالیت ترجمه با توجه به شرایط فرهنگی اجتماعی، یا زبان را استاندارد می‌کنند و یا از قانون تداخل بهره می‌جویند؛ یعنی هرچه موقعیت‌های ترجمه پیرامونی‌تر و ترجمه در فرهنگ مقصد فرعی‌تر باشد، زبان استاندارد می‌شود و ترجمه با الگوهای رسمی وفق داده می‌شود و در مقابل اگر ترجمه از یک زبان برتر و غالب انجام گیرد تداخل پررنگ‌تر می‌شود. تمام این متغیرهای زبانی به عوامل فرهنگی اجتماعی وابسته است؛ اما ترجمه اساساً «فعالیتی است که از دو مهارت عمده درک و بیان تشکیل شده است. درک، شامل آشنایی با زبان مبدأ در حد استخراج جنبه‌های مختلف معنا از متن می‌شود و بیان به معنای بازنویسی معنای انتزاع شده از متن اصلی بر اساس معیارهای زبانی و فرهنگی زبان مقصد است» (ناظمیان، ۱۳۸۱: ۲).

¹ Matricidal

² Standardization

³ Interference

⁴ Conversion

⁵ Invariance

⁶ Transformation

۳- تحلیل و ارزیابی شعر "آب" از سهراب سپهری!

ردیف	شعر فارسی	ترجمه عربی
۱	آب را گل نکنیم:	دعونا لا نجعل الماء طيناً؛
۲	در فرودست انگار کفتری می خورد آب	تخيل أن هناك حمامة تشرب من هذا الماء،
۳	یا که در بیشه دور، سیره‌ای پر می شوید.	أو أن طائراً صغيراً يغسل ريشه و جناحيه في هذا الدغل البعيد.
۴	یا در آبادی، کوزه‌ای پر می‌گردد.	أو أن أحداً في مكان عامر يملأ جرة ماء.
۵	شاید این آب روان، می‌رود پای سپیداری، تا فرو شوید اندوه دلی.	فرما يذهب هذا الماء الجاري إلى جذع شجرة فيمحو الأحران من قلبها،
۶	آب را گل نکنیم، دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب.	و ربما تمتد يد فقير لتغمس في الماء قطعة خبز جافة يابسة.

^۱ سهراب سپهری: (۱۳۰۷ - ۱۳۵۹ ه.ش)؛ شاعر، نویسنده، نقاش و از مهم‌ترین شاعران معاصر ایران بود. شعرهایش به زبان‌های بسیاری از جمله عربی، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی و ایتالیایی ترجمه شده است. مهم‌ترین آثار منظومش: هشت کتاب، مرگ رنگ، زندگی خواب‌ها، آوار آفتاب، شرق اندوه، صدای پای آب، مسافر، حجم سبز، ما هیچ ما نگاه، آوار کتاب، زندگی خواب‌ها می‌باشد.

٧	زن زیبایی آمد لب رود،	و قدمت امرأة جميلة ألى شاطئ النهر،
٨	آب را گل نکنیم:	دعونا لا نجعل الماء طيناً؛
٩	روی زیبا دو برابر شده است.	فقد صار الوجه الجميل وجهين.
١٠	چه گوارا این آب!	کم هو عذب سائغ هذا الماء!
١١	چه زلال این رود!	کم هو زلال هذا النهر!
١٢	مردم بالادست، چه صفایی دارند!	کم لأصحاب اليد العليا من رونق و صفاء!
١٣	چشمه‌هاشان جوشان، گاوهاشان شیرافشان باد!	فلتكن عيون مائهم فياضة و أبقارهم مُدِرَّة للبن!
١٤	من ندیدم دهشان،	أنا لم أر قريتهم،
١٥	بی‌گمان پای چپرهایشان جا پای خداست.	ولكن لاشك أن حلقتهم هي حلقة مقدسة.
١٦	ماهتاب آن‌جا، می‌کند روشن پهنای کلام.	وضوء القمر هناك، يضيء ميدان الكلام.
١٧	بی‌گمان در ده بالادست، چینه‌ها کوتاه است.	ولا شك أن الجدران تكون قصيرة في قرية أصحاب اليد العليا.
١٨	مردمش می‌دانند، که شقایق چه گلی است.	ويعرف سكانها أي زهرة تكون زهرة الشقائق،

۱۹	بی‌گمان آن‌جا آبی، آبی است.	لاشك أن هناك ماء، و هو الماء الحقيقي.
۲۰	غنچه‌ای می‌شکفتد، اهل ده باخبرند.	ويصل إلى أهل القرية خبر كل برعمة تتفتح.
۲۱	چه دهی باید باشد!	أي قرية يجب أن تكون
۲۲	کوچه باغش پر موسیقی باد!	لتكن طرق حدائقها مغمورة بالموسيقى!
۲۳	مردمان سرِ رود، آب را می‌فهمند.	والناس على الشاطئ النهر، يفهمون الماء،
۲۴	گل نکردندش، ما نیز	ولم يجعلوه طيناً، فدعونا نحن أيضاً
۲۵	آب را گل نکنیم.	لا نجعل الماء طيناً.

در توضیح ادبی شعر سپهری با عنوان "آب" می‌توان گفت که به خوبی بهره‌گیری سهراب از آب به عنوان جریان زندگی که نباید با بدی‌ها آلوده شود، احساس می‌گردد. این شعر مانند رودی است که از جایی سرچشمه می‌گیرد و در جایی دیگر پایان می‌پذیرد. در ابتدای این شعر، شاعر از آب و جریانات پیرامون آن و در انتهای آن از مردمی سخن می‌گوید که آب را گل‌آلود نمی‌کنند و قدر این مایه حیات را می‌دانند. این روستا برای او یک آرمان‌شهر یا همان مدینه فاضله است. سهراب در این شعر، ما را به آشتی و صلح با طبیعت دعوت می‌کند. تعبیر ساده همراه با تصاویری که سهراب می‌آفریند به قدری گویاست که انگار شاعر، مخاطب را با خود به درون یک تابلوی نقاشی می‌برد. تکرار بند "آب را گل نکنیم" بیانگر اهمیت این موضوع در نظر سهراب است.

طبق الگوی توری چنانچه مترجم به متن مقصد توجه داشته باشد، ترجمه وی پذیرفته است. متن ترجمه شده مصنوع فرهنگی‌ای است که از طریق نسخه‌ای پذیرفتنی در فرهنگ مقصد جانشین متن مبدأ می‌شود. فرایند ترجمه را تنها از طریق تحلیل متن ترجمه‌شده در درون بافت

فرهنگی - زبانی می توان فهمید. توری استدلال می کند که ترجمه ها خودشان هویت " ثابت " ندارند؛ از آنجا که آنها همواره در معرض تأثیر عوامل بافتی اجتماعی - ادبی گوناگون قرار دارند، باید به آنها طوری نگاه کرد که گویی هویت های چندگانه ای دارند که هریک وابسته به نیروهای دخیل در فرایند تصمیم گیری در زمانی خاص است (گنتزler، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

در ردیف ۱، منظور شاعر از "گل" همان گل آلود کردن آب می باشد؛ بنابراین واژه "عکس" به جای "طین" مناسب تر است. از آنجایی که توری هنجارهای آغازین را به انتخاب کلی مترجم و اینکه تصمیم بگیرد از هنجار فرهنگ مبدأ پیروی کند یا مقصد، مرتبط می داند، این تصمیم مترجم در نوع محصول ترجمه تأثیر بسزایی دارد. بنابراین این ترجمه از پذیرفتگی در مقصد برخوردار است اما به مرحله بسندگی در متن مبدأ نمی رسد.

- ردیف ۲، مترجم کلمه "انگار" را "تخیل" یعنی بصورت فعل "خیال می کنی" گفته و "فرو دست" را اصلاً ترجمه نکرده و به جای آن "هناک" آورده است. با نظر به الگوی هنجار آغازین توری، این ترجمه پذیرفته است و نیز با توجه به حذف کلمه فرو دست در ترجمه، در گروه هنجار چارچوبی قرار می گیرد. توری معتقد است که مترجم می تواند در عین تن دادن به هنجارهای فرهنگ متن مبدأ، هنجارهای فرهنگ مقصد را هم بکار گیرد و ترکیبی از هر دو را در ترجمه خود وارد سازد. توری در طی تحقیقات خود به این نتیجه رسید که دلیل بی توجهی عمومی به «وفاداری» در برابر متن اصلی این نیست که مترجمان به روابط متنی درون متن مبدأ بی اعتنا هستند، بلکه هدف اصلی آنها عرضه ترجمه ای به فرهنگ مقصد است که در آن فرهنگ پذیرفتنی باشد. بنابراین تصمیم گیری مترجم در عملیات ترجمه نتیجه طبیعی رجحانی بود که در هدف اولیه غایت گرایانه او نهفته بود (گنتزler، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

- در ردیف ۳، از کلمه "سیره" که یک اسم خاص است، استفاده شده است. سیره یا همان سیره که فنچ هم نامیده می شود، پرنده ای کوچک از راسته گنجشک سانان با پر و بالی رنگارنگ است که ظاهری کوچک و و صدای زیبایی شبیه بلبل دارد. اما مترجم سیره را به صورت عام "طائراً صغیراً" ترجمه نموده است. پیشنهاد ما "عصفور/ طائر الحسون/ طائر البرقش" می باشد. طبق الگوی هنجارهای متنی - زبانی توری، مترجم در معادل یابی صحیح واژگان عملکرد خوبی نداشته است. توری در الگوی خود با فاصله گرفتن از الگوهایی که متکی

بر مفاهیم یگانه از تعادل هستند، چارچوب نظری متفاوتی عرضه می‌کند تا پدیده‌هایی را که ترجمه به شمار می‌روند در قالب مفاهیم بریزد.

- شاعر در ردیف ۳، از واژه "پَر" برای سیره استفاده کرده اما مترجم با بسط این واژه علاوه بر آوردن "ریش"، واژه "جناحیه" به معنای بال‌هایش را هم آورده است. در نتیجه طبق الگوری هنجار چارچوبی توری افزایش واژگان داشته است.

- شاعر در ردیف ۴، کلمه "آبادی" به معنای قدیم روستا را در شعر خود آورده اما مترجم آن را به "مکان عامر" یعنی جای آباد/پرجمعیت/مسکونی ترجمه کرده است. ترجمه پیشنهادی ما "قریه" است. افزایش واژگان در ترجمه، طبق الگوی هنجار چارچوبی توری می‌باشد. بررسی متن مبدأ و مقصد باید تبدیل‌هایی را که در ترجمه صورت گرفته است، آشکار نماید. اینجاست که توری مفهوم تعادل ترجمه را مطرح می‌کند اما تأکید دارد که تعادل مد نظر او یک مفهوم نقشمند رابطه‌ای است که به تعادل میان متن مبدأ و مقصد اشاره دارد (نیازی و قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۷۹).

- شاعر در ردیف ۵، جریان این آب جاری را به پای "سپیداری" هدایت می‌کند اما مترجم این اسم خاص را به "جذع شجره" ترجمه کرده است. پیشنهاد ما "شجره الحور" می‌باشد. در همین بند آمده "تا بشوید اندوه دلی" که مترجم اندوه را به درخت نسبت داده و ضمیر "ها" را بعد از "قلب" آورده است در صورتی که منظور شاعر اندوه یک انسان بوده است نه اندوه درخت. پیشنهاد ما به جای فعل "یمحو"، استفاده از "یزول" یا "یضیع" می‌باشد. طبق الگوی هنجارهای متنی-زبانی در هنجارهای عملیاتی توری، این ترجمه ساختار متن اصلی را تغییر داده و به متن مقصد گرایش داشته است. بنابر مطالب ذکر شده، ترجمه عبدالمنعم با موارد حذف، افزایش، جابجایی و تقطیع متنی‌ای که در ترجمه روا داشته است، تعادل میان شعر فارسی و ترجمه عربی را بطور متناسب برقرار نکرده است. توری معتقد است که هیچ ترجمه‌ای با پذیرش کامل فرهنگ مقصد روبرو نخواهد شد زیرا همواره اطلاعات و شکل‌های جدیدی به آن عرضه می‌کند که در نظام گیرنده ناآشنا هستند و هیچ ترجمه‌ای نیز در برابر متن اصلی از کفایت کامل بهره‌مند نیست زیرا هنجارهای فرهنگی سبب می‌شود که ساختارهای زبان مبدأ در جریان ترجمه دچار چرخش شوند.

- در ردیف ٦، مترجم با بسط واژگانی در ترجمه واژه "تمتد" را به معنای "دراز می‌کند"، اضافه نموده و نیز برای نان هم دو صفت "جافه یابسه" آورده که ضرورتی نداشته و بیشتر به مخاطب محوری گرایش داشته است. منظور شاعر از این بند ارتزاق مردم از آب رود می‌باشد. با این افزایش واژگان در ترجمه وعدم تعادل آن می‌توانیم آن را طبق الگوی هنجارهای توری در زیر گروه هنجارهای چارچوبی قرار دهیم. در کل مترجم با تکیه بر متن مقصد و اصل مقبولیت الگوی هنجارهای توری، متن مبدأ را غرابت‌زدایی کرده است. توری با نگاه کردن به ترجمه از دریچه فرهنگ مقصد، نشان می‌دهد که تعادل ترجمه‌ای نمی‌تواند آرمانی فرضی باشد بلکه امری تجربی است.

- در ردیف ١٠، برای واژه "گوارا" مترجم از دو واژه "عذب سائغ" استفاده کرده و بر تعداد واژه‌ها در ترجمه افزوده است. این افزایش طبق الگوی هنجار چارچوبی توری تعریف می‌شود. توری در مخالفت با نظریه مبدأ بنیاد، نظریه مقصد بنیادی برای ترجمه مطرح می‌کند که بر مفهوم تعادل به منزله الزامات بداهتی فرضی متمرکز نیست، بلکه بر روابط عملی ایجاد شده میان متن مبدأ و جانشین واقعی آن تمرکز دارد (گنتز، ١٣٩٣: ١٦٥).

- ردیف ١٢، به "مردم بالادست" اشاره کرده که به معنای مردمی است که در روستای بالای رود زندگی می‌کنند؛ اما مترجم به مفهوم این واژگان پی نبرده و آنها را "أصحاب الید العلیا" ترجمه کرده که برای عرب‌زبان نامفهوم و به معنای صاحبان دست بخشنده و پاک است. پیشنهاد ما "القریة العلیا" است. طبق الگوی هنجارهای متنی - زبانی توری، مترجم در معادل‌یابی عملکرد مناسبی نداشته است. «انتخاب یک معادل مناسب همیشه فقط بستگی به نظام‌های زبانی ندارد که مترجم با آن سروکار دارد، بلکه به نحوه بکارگیری نظام‌های زبانی مورد نظر از طرف نویسنده متن مبدأ و تولیدکننده متن مقصد یعنی مترجم، به توقعات، دانش پیشینه‌ای و انتظارات خوانندگان در یک موقعیت زمانی و مکانی، به درک خود مترجم از کارش و طیف وسیعی از محدودیت‌هایی که می‌توانند در یک زمان معین وجود داشته باشند، بستگی دارد» (بهرامی، علی، ١٣٩٣: ٢٢). عدم دقت در معادل‌یابی واژگانی و پیروی از ساختار نحو مقصد در ترجمه این شعر باعث شده است تا مترجم نتواند مفهوم دقیق را در ترجمه عربی ارائه نماید. بنابراین طبق الگوی هنجارهای آغازین توری، ترجمه وی در مقصد پذیرفته است اما از کفایت لازم در مبدأ برخوردار نیست.

- در ردیف ۱۵، منظور شاعر از چپر، طبق لغت‌نامه "دهخدا" یعنی خانه و دیواری است که از علف و نی می‌سازند و اکنون به "کپر" تغییر یافته است. البته چپر به معنای گروهی از مردم که دایره‌وار گرد هم آمده‌اند، هم می‌باشد. مترجم از واژه "حلقه" استفاده نموده که در فارسی به معنای همان حلقه است. پیشنهاد ما واژه "سیاح" به معنای پرچین است که با توجه به اشاره سابق شاعر به مردم روستا مفهوم را بهتر می‌رساند. طبق الگوی آغازین توری، مترجم با گرایش به متن مقصد، ترجمه پذیرفته ارائه داده است نه بسنده.

- در ردیف ۱۵، شاعر مدعی شده که در کنار این چپرها، نشانه‌ای از خدا را دیده است ولی در ترجمه "جا پای خداست" به صورت "حلقه مقدسه" ترجمه و به واژه "خدا" اشاره‌ای نشده است. بنابر الگوی هنجارچارجویی توری، مترجم با حذف واژه در متن مقصد، ترجمه را به هنجار فرهنگی مقصد نزدیک ساخته است. از اینرو ترجمه وی پذیرفته است نه بسنده.

- شاعر در ردیف ۱۷، با آوردن "چینه‌ها" به نبود فاصله در ده بالادست اشاره می‌کند. "چینه‌ها" به "الجدران" ترجمه شده که به معنای دیوارهای مسقف است، اما چینه یا پرچین، دیوار گلی بدون سقفی است که از خشت و گل ساخته می‌شود و بیشتر در روستاها از آن به عنوان حصار باغ یا خانه استفاده می‌کنند. پیشنهاد ما "سیاح" است. طبق هنجار آغازین توری، مترجم هنجار فرهنگ مبدأ را نادیده گرفته و ترجمه را در مقصد قابل پذیرش ساخته است اما در مبدأ از کفایت و بسندگی لازم برخوردار نیست.

- ردیف ۲۰، به این معناست که اهل آبادی از کوچک‌ترین اتفاقی که روی می‌دهد، با اطلاع هستند حتی اگر این اتفاق شکفته شدن یک غنچه باشد. با نظر به شعر فارسی می‌بینیم که شاعر می‌گوید آنها خود باخبرند زیرا برای آن‌ها اهمیت دارد. اما مترجم از "یصل إلى القرية خبر" استفاده کرده و مدعی شده است که خبر به اهالی می‌رسد. ترجمه پیشنهادی ما "مطلع" به معنای باخبر می‌باشد. بنابر الگوی هنجارهای متنی - زبانی توری، مترجم در این ترجمه از نظر زبانی تعادل مناسب را برقرار نساخته است. در این باره توری معتقد است هر نظام زبانی و یا سنت متنی از نظر ساختار، گنجینه، هنجارهای کاربرد و غیره با بقیه متفاوت است (گنتزler، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

- ردیف ۲۱، شاعر گفته که چه دهی! یعنی عجب دهی باید باشد. مترجم در ترجمه از "ای" بهره برده است. طبق هنجار متنی - زبانی توری، وی نتوانسته معادل دقیقی برای واژگان مبدأ بیابد و آن را نامفهوم ساخته است. پیشنهاد ما "یا لها من / کم / یا للعجب" می‌باشد.

- ردیف ٢٣، پُرِ موسیقی به " مغمورة بالموسیقی" ترجمه شده که واژه " ملیء" مناسب تر است. زیرا مغمور در فارسی به معنای ناشناخته و گمنام است. در ارزیابی این ترجمه طبق الگوی هنجارهای آغازین توری، گرایش مترجم بیشتر به زبان مقصد بوده است و گاهی مفهوم واژه‌های فارسی به خوبی درک نشده و در نتیجه معادل عربی آن نامفهوم است.

نتیجه گیری

با تحلیل و ارزیابی موارد بالا طبق نظریه هنجارهای آغازین توری درمی‌یابیم که، ترجمه عربی عبدالمنعم بیشتر به زبان مقصد گرایش داشته و مخاطب محور بوده است. بنابراین از پذیرش در فرهنگ مقصد برخوردار است؛ اما از بسندگی و کفایت در زبان مبدأ به دور است. با پیاده‌سازی هنجارهای فرهنگ مقصد، بیش از بسندگی ترجمه، ترجمه‌ای پذیرفته ارائه داده است. زیرا مترجم به هنجارهای فرهنگی متن مبدأ توجه خاصی نداشته است که عدم دقت در معادل‌یابی صحیح عبارات، کنایات، اصطلاحات و واژگان فارسی به عربی، گواه این ادعاست. از آنجایی که هنجارهای مقدماتی بیانگر سیاست ترجمه یعنی عواملی هستند که متن مبدأ را برای ترجمه در زمان، فرهنگ یا زبان مشخصی تعیین می‌کنند، از این رو عبدالمنعم با نظر به شایستگی‌های خود در شناخت زبان فارسی و تدریس آن در دانشگاه‌های مختلف و نیز با توجه به پیوندهای فرهنگی و ادبی ایران و جهان عرب به خصوص کشور مصر، به گزینش اشعار معاصر فارسی دست زده است. اما در مورد سویگی و جهتداری ترجمه باید گفت که با وجود اطلاعات کافی در زمینه واژگان، ساختار و فرهنگ هر دو زبان احتمال استفاده مترجم از زبان میانجی در این ترجمه کاملاً منتفی است.

باتوجه دقیق به به هنجارهای عملیاتی توری نیز، ترجمه عبدالمنعم بیشتر با بسط واژگانی، چند مورد پانوشت، جابجایی واژگان، حذف و تقطیع متنی در متن مقصد همراه شده است. با قطع نظر از اینکه مترجم نتوانسته ظرافت‌ها، زیبایی‌ها و آرایه‌های ادبی شعر معاصر فارسی را در کمال امانت و درستی به مخاطبان عرب‌زبان منتقل کند، می‌توان گفت در ترجمه بسیاری از واژگان، اصطلاحات و عبارات هم عملکرد موفق نداشته و محصول ترجمه وی بر اساس قوانین ترجمه توری، غالباً بر اساس قانون استاندارسازی صورت پذیرفته است.

منابع

الف - کتاب ها:

- بیکر، مونا و گابریلا سالدنیا. (۱۳۹۶ش)، *دایرة المعارف مطالعات ترجمه*، ترجمه حمید کاشانیان، تهران، نشر نو.
- خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۹۱ش)، ترجمه کاوی، چاپ دوم، تهران، انتشارات ناهید.
- صلح جو، علی. (۱۳۹۶ش)، *از گوشه و کنار ترجمه*، چاپ سوم، تهران، نشر مرکز.
- عبدالمنعم، محمد نورالدین. (۲۰۰۹م)، *مختارات من الشعر الفارسی الحدیث*، الطبعة الثانية، القاهرة، المركز القومي للترجمة.
- عنانی، محمد، (۲۰۰۳م)، *نظریة الترجمة الحدیثة: مدخل إلى مبحث دراسات الترجمة*، مصر: الشركة المصرية العالمية للنشر.
- گنتزبلر، ادوین. (۱۳۹۳ش): *نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر*، ترجمه: علی صلح جو، چاپ دوم، تهران: انتشارات هرمس.
- معروف، یحیی. (۱۳۹۲ش): *فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی*، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت.
- ناظمیان، رضا، (۱۳۹۴ش): *روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی*، چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت.
- نیازی، شهریار و زینب قاسمی اصل. (۱۳۹۷ش): *الگوی ارزیابی ترجمه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- Toury, Gideon. (1995), *the Descriptive Translation Studies and beyond*, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamin.

ب - مقالات

- افضلی، علی و اکرم مدنی. (۱۳۹۹ش): «کاربست نظریه هنجارهای گیدئون توری در ارزیابی کیفی ترجمه عربی اشعار فروغ فرخزاد»، *فصل نامه مطالعات ترجمه*، سال هجدهم، شماره ۷۰، صص ۴۵-۶۰.
- قربان زاده، بهروز. (۱۳۹۵ش): «تلاش‌های عبدالمنعم در ترویج زبان و ادب فارسی در مصر»، *یازدهمین گردهمایی انجمن بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی*، دانشگاه گیلان، صص ۸۳۸-۸۵۳.
- کاظمی نجف‌آبادی، سمیه و محمد رحیمی خویگانی. (۱۳۹۶ش): «بازتاب ترجمه شعر معاصر فارسی در جهان عرب»، *فصل نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۲۰-۱۵۷.

دراسة تعريب شعر سهراب سبهري ونقده باستخدام نظرية جدعون توري

نوع المقالة: أصيلة

علي أفضل^{*} ، أكرم مدني

١. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، طهران

٢. ماجستير في قسم الدراسات الترجمة العربية بجامعة طهران، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، طهران

الملخص

الشعر، في أكثر صورهِ إيجازًا، نصّ غالبًا ما تكون لغته غير صريحة ولكنها ضمنية، ومن الصعب جدًا نقل جميع طبقاته الدلالية إلى اللغة الهدف. لم تتأخر ترجمة قصائد الشعراء الإيرانيين إلى اللغة العربية عن باقي الآداب العالمية، بل تقدمت جنبًا إلى جنب مع الأعمال الأدبية الأخرى. منذ النصف الثاني من القرن العشرين، تُرجمت العديد من القصائد الفارسية، القديمة والمعاصرة، إلى العربية. في هذا المقال، يتم دراسة وتحليل أجزاء من تعريب شعر سهراب سبهري في كتاب *مختارات من الشعر الفارسي الحديث* لمحمد نور الدين عبد المنعم، بناءً على نظرية جدعون توري في المعايير ومن منظور دراسات الترجمة العملية الوصفية. تتعامل هذه الطريقة مع عملية الترجمة نفسها. تشير نظرية توري إلى الأشكال الأدبية الموجودة في كل ثقافة معينة. يحدّد توري نطاقًا للترجمة، يتراوح بين قبول كامل للترجمة في ثقافة اللغة الهدف وكفاية كاملة للمساواة مع النص المبدأ، معتقدًا أن الترجمة تقع دائمًا بين هذين الجانبين. تشير النتيجة الرئيسية في التقييم الكيفي لتعريب عبد المنعم إلى أن عمله مقبول في الثقافة العربية، ولكنه إلى حد ما بعيد في الكفاية نسبة إلى اللغة الفارسية.

الكلمات الرئيسية: الشعر الفارسي المعاصر، تقييم التعريب، محمد نورالدين عبدالمنعم، سهراب سبهري، جدعون توري.

Applying Gideon Theory Norms Theory to Qualitative Evaluation of Translation of Poetry of Sohrab Sepehri

Article Type: Research

Ali Afzali*¹, Akram Madani²

Associate Professor of Arabic Language & literature Department, University of Tehran, Faculty of Literature and Humanities, Tehran.

M.A. of Arabic Translation Studies Department, University of Tehran, Faculty of Literature and Humanities, Tehran.

Abstract

Translation acts as one of the agents of thought change as a bridge for the transmission of thoughts from different languages to one another. Translation has long attracted the attention of translators, and its translation or non-translation has always been the subject of controversy among translation theorists. Poetry is in its most succinct form a language whose language is often not explicit but implicit and moving all of its semantic layers to the target language is very difficult. In translating poetry into Arabic, Iranian poets have moved on to other literary works. In this era, we are seeing more translators trying to translate contemporary Persian poetry. Many of these poems have been translated into Arabic by translators. This method deals with the translation process or the act of translation itself. His theory points to the literary formats that exist in any particular culture and one of its main achievements was that Attention to the relationship between the individual texts of origin and the destination focused on the relationships that exist between the destination texts themselves. the main result of the qualitative evaluation of Abdul Moneim's translation

¹Corresponding Author

ali.afzali@ut.ac.ir

to Arabic Indicates that his work It has an acceptance in the destination culture but it is far from sufficient in the Farsi.

Keywords: Contemporary Persian Poetry, Evaluating Arabic Translation, Mohammad Nouredin Abdul Moneim, Gideon Tori, Sohrab Sepehri.^١